

دانش آموزان امروز «می‌توانند هر جور خواهند زندگی کنند، ولی نمی‌دانند برای چه باید زندگی کنند؟» در واقع به نوعی بحران هویت فرهنگی گرفتار می‌شوند.

بحران هویت فرهنگی

گفت‌وگو با دکتر محمدرضا شرفی‌جم، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

دکتر محمدرضا شرفی‌جم، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران است و در زمینه‌های تعلیم و تربیت، نوجوانان و جوانان، خانواده، مهارت‌های زندگی و تعلیم و تربیت اسلامی، آثار و مقالاتی دارد. به سبب همین پیشینه، از ایشان درخواست کردیم در گفت‌وگویی، نظر خود را درباره سایه افکندن مسائل آموزشی بر پرورش دانش‌آموزان، با ما در میان بگذارد.

با معنویت، اخلاق، دیانت و ارزش‌ها را در پی دارد و بر یکپارچگی و انسجام خانواده اثر می‌گذارد. برای مثال، فرزندان خود را ملزم به احترام به والدین و شناخت حقوق آنان و رعایت حریمشان نمی‌بینند. تداوم این امر سبب می‌شود عواطف خانوادگی که از نحوه پرورش در خانه و مدرسه متأثر است، به شدت ضعیف شود و فضای خانه مطلوب نباشد. در درازمدت نیز شخصیت‌های یک بعدی در جوانان بروز می‌کنند. به عبارت دیگر، جوانانی خواهیم داشت که از اطلاعات، آموزش و مهارت‌های علمی و اطلاعات برخوردارند، ولی در بعد مهارت‌های زندگی، ارتباطی و یافتن سبک زندگی مطلوب، برکنار و بیگانه‌اند. به تعبیر روشن می‌توان گفت، «می‌توانند هر جور خواهند زندگی کنند، ولی نمی‌دانند برای چه باید زندگی کنند؟» در واقع به نوعی بحران هویت فرهنگی گرفتار می‌شوند. به عنوان اشاره‌ای گذرا، یکی از پیامدهای این بحران، انفعال در برابر فرهنگ‌های بیگانه و بی‌تفاوتی در قبال میراث و ارزش‌های فرهنگ خودی است.

● نقش نظام رسمی و مدرسه‌ها را در آموزش این‌باره چگونه ارزیابی می‌کنید؟

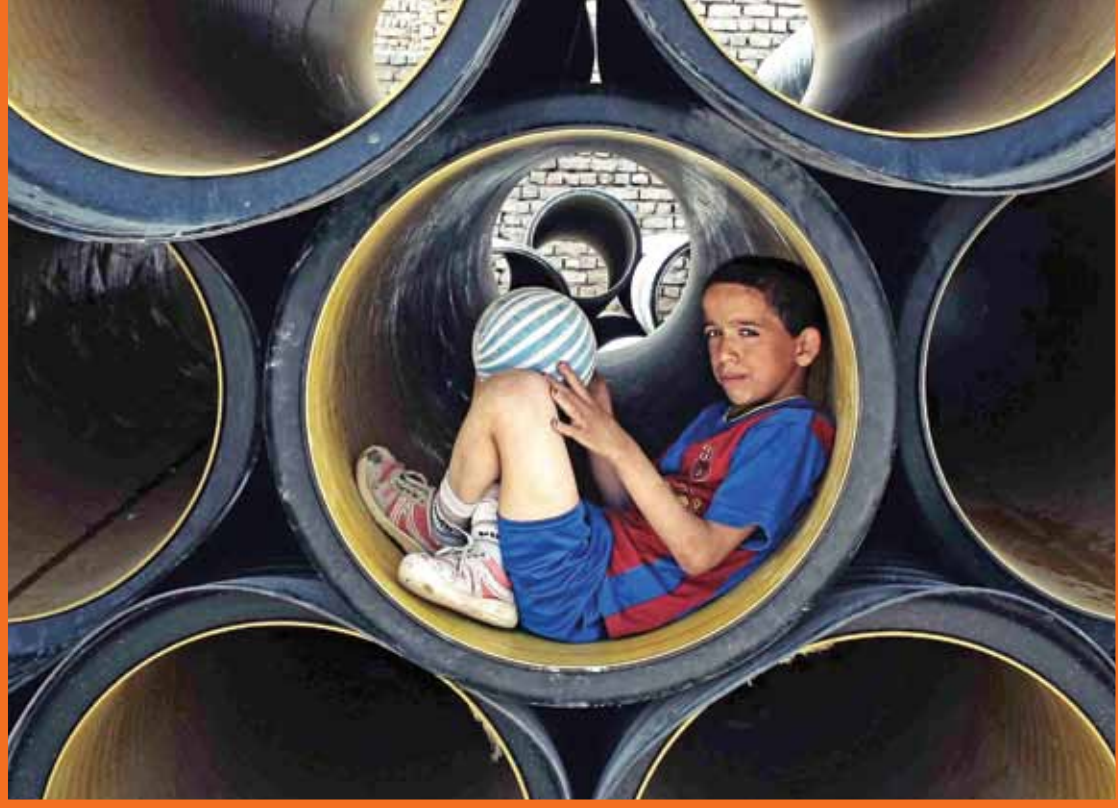
دستگاه تعلیم و تربیت کشور نهادی مسئول و اثرگذار است. به این نحو که با ارج نهادن به شخصیت‌های فرهنگی و علمی جامعه و درج متناسب بخش‌هایی از زندگی‌نامه‌های آنان در کتاب‌های درسی، می‌تواند در «اسوه‌سازی» برای دانش‌آموزان اثرگذار باشد. همان‌گونه که رتبه‌های اول

● دیده می‌شود خانواده‌ها به مسائل آموزشی فرزندان، نسبت به مسائل پرورشی، اولویت بیشتری می‌دهند. به نظر شما علت چیست؟

شاید وجود دو عامل را بتوان در این امر تأثیرگذار دانست. عامل اول، وجود رقابت‌های فشرده در امر آموزش میان دانش‌آموزان، برای یک گام بلندتر ایستادن از دیگر هم‌سالان و تداوم رقابت‌های تنگاتنگ تا مرحله کنکور و ورود به دانشگاه است و چون موفقیت در دانشگاه، به کسب هویتی جدید می‌انجامد و جایگاه فرد را در خانواده و آینده تا حدودی تثبیت می‌کند، لذا از این حیث، آموزش در چشم و دل خانواده، جامعه و فرزندان بیش از پرورش، منزلت و معنا می‌یابد.

عامل دوم این است که موفقیت و شکست در آموزش پدیده‌ای نسبتاً محسوس است و به همین لحاظ حساسیت برانگیز. ولی رویش یا ریزش در پرورش تا این اندازه محسوس و در نهایت حساسیت برانگیز نیست. پرورش و در نهایت مقوله فرهنگ امری تدریج‌پذیر است و با آهنگ ملایمی حرکت می‌کند. لذا بخش قابل توجهی از خانواده‌ها متوجه افت پرورشی و تربیتی فرزندان نمی‌شوند و به همین خاطر به فکر چاره نمی‌افتند.

● شما در اتخاذ این رویه چه آسیب‌هایی می‌بینید؟
در چنین شرایطی، با آسیب‌های کوتاه‌مدت و درازمدت روبه‌رو هستیم، غفلت خانواده و فرزندان از مسائل تربیتی، در کوتاه مدت، سست شدن پیوندها و ارتباط‌های آنان



رسانه‌ها با تکیه بر سه عامل توانستند تا حدودی نفوذ نظام تعلیم و تربیت و خانواده‌ها را در تربیت محدود کنند:

۱. جذابیت تصویری
 ۲. تنوع برنامه‌ها
 ۳. در دسترس بودن
- و متقابلاً نظام تعلیم و تربیت و خانواده‌ها از دو حیث در این رقابت بازماندند:

۱. نبود جذابیت‌های لازم
 ۲. پرورش نیافتن قوه تفکر (نقاد، خلاق و حل مسئله)
- یعنی مدارس غالباً از حیث زیبایی و جذابیت فیزیکی و نیز زیبایی و جذابیت ارتباطی (شیوه مناسبات معلمان و مربیان با دانش‌آموزان) ضعیف‌اند و نمی‌توانند نوجوانان و جوانان را علاقه‌مند کنند. مهم‌تر از آن، زمانی که قوه تفکر و ارزیابی دانش‌آموزان در مدرسه و خانواده رشد و تعالی نمی‌یابد، آنان در بحبوحه هجوم رسانه‌ها و تأثیرگذاری سنگین آن‌ها، قدرت انتخاب، تشخیص، نقد و نظر، و داوری منصفانه را از دست می‌دهند و لذا به حالت انفعال دچار می‌شوند.

● **فرض کنیم در وضعیت موجود جامعه، دانش‌آموزی کاملاً در جهت اهداف آموزشی خانواده و مدرسه حرکت کند و به بالاترین مدارج آموزشی و علمی دست یابد. به نظر شما، چنین فردی در چه موقعیت‌هایی دچار خلأ خواهد شد و عوارض چنین تربیتی برای زندگی آینده او چیست؟**

ابتدا بهتر است به انتظارات معقول و ضروری از جوانان فارغ‌التحصیل و در آستانه ورود به جامعه اشاره‌ای گذرا داشته باشیم. شاید خواسته زیادی نباشد اگر از جوانان

تا سوم یا پنجم در هر پایه معرفی می‌شوند، کسانی هم که در محور مسائل پرورشی و تربیتی ممتازند، به نحو شایسته‌ای شناسانده شوند. حتی در ادامه این روند، مثل معرفی نفرات اول تا سوم هر رشته کنکور، جا دارد که برترین‌ها در محور مسائل پرورشی و تربیتی نیز به جامعه و همسالانشان معرفی شوند. مدارس نیز جایگاه بی نظیری در اطلاع‌رسانی و توجیه خانواده‌ها در مسائل پرورشی دارند. برای مثال، بخشی از مباحث آموزش خانواده در مدارس می‌تواند به تأثیرگذاری مستقیم مسائل پرورشی بر مسائل آموزشی اختصاص یابد. مثلاً پرورش عزت‌نفس در دانش‌آموز می‌تواند به رشد انگیزه درسی او کمک کند و نیز آرامش روح و روان در پرتو ارتباط با خدا می‌تواند به بخشی از استرس‌ها پایان دهد و راه را برای موفقیت درسی و آموزشی هموار کند.

در همین راستا، طرح مباحثی همچون مهارت‌های زندگی و نیز سبک زندگی می‌تواند در بهبود مناسبات دانش‌آموزان با خانواده و معلمان و با یکدیگر مؤثر باشد و به پیشرفت علمی آنان یاری رساند. آموزش ضمن خدمت با طرح محورهایی برای معلمان و دبیران در راستای استفاده بجا، به موقع و کارشناسی شده از آموزه‌های دینی و در حد اشاره و گذرا در کلاس درس، می‌تواند توجه و اعتماد دانش‌آموزان را به هم‌سویی و هم‌گرایی علم و اخلاق، دانش و ارزش جلب کند.

● **در دنیای امروز با این پدیده مواجه هستیم که رسانه‌ها عرصه تربیت را بر نظام رسمی و حتی خانواده‌ها تنگ کرده‌اند. به نظر شما این امر چگونه پیش آمده است؟**

تمدن ایرانی و اسلامی بشناسد و از علل و عوامل پایداری و استواری تمدن خویش و رمز اضمحلال تمدن‌های دیگری که نابود شده‌اند، آگاهی داشته باشد.

۵. با اندوخته‌ای از «دانش و علم» مورد نیاز جامعه و خانواده، براساس علاقه و استعداد خویش، همراه باشد تا قادر باشد به بخشی از احتیاجات جامعه پاسخ دهد. ملاحظه می‌شود که در صورت مفروض مسئله، فقط بخش اخیر تحقق می‌یابد و سایر بخش‌ها، کمرنگ و در حاشیه‌اند و به تدریج محو می‌شوند.

● راه‌حل‌های پیشنهادی شما برای اولیای مدرسه در این باره چیست؟

راه‌حل‌ها را می‌توان در دو محور بررسی کرد. برای هر محور، مواردی را که به نظر می‌رسد مؤثر باشد، مطرح می‌کنم:

الف) برخی شیوه‌های اجرایی در خصوص خانواده‌ها

۱. تقویت و توسعه مباحث آموزش خانواده با تأکید بر مباحث مذکور در راستای تقویت نگرش تربیتی والدین؛
۲. تشکیل کارگاه‌های تخصصی برای دانش‌افزایی والدین در زمینه‌های مورد نیاز؛
۳. تقویت جلسات مشاوره خانواده برای ارتباط چهره به چهره والدین و مشاوران؛
۴. تدوین جزوات و بروشورهای مفید در راستای آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها در زمینه‌های مرتبط.

ب) برخی شیوه‌های اجرایی در خصوص دانش‌آموزان:

۱. تشکیل مجامع بحث و انتقاد جوان با حضور کارشناسان توانمند در زمینه‌های مسائل تربیتی مبتلا به؛
۲. طرح «پرسش ماه» در دوره دبیرستان با تکیه بر محورهای مورد نیاز و ترغیب دانش‌آموزان به شرکت فعال در این زمینه؛
۳. طرح «مسابقات مقاله‌نویسی» به منظور ارتقای سطح آگاهی دانش‌آموزان در عرصه‌های تربیتی و تشویق برگزیدگان؛
۴. طرح معرفی «کتاب برگزیده ماه» از مجموع آثار برجسته در زمینه‌های تربیتی با اتکا بر محورهای مورد نظر.



غفلت خانواده و فرزندان از مسائل تربیتی، در کوتاه مدت، سست شدن پیوندها و ارتباط‌های آنان با معنویت، اخلاق، دیانت و ارزش‌ها را در پی دارد و بر یکپارچگی و انسجام خانواده اثر می‌گذارد



بخواهیم که با پشت سر نهادن تحصیلات خود در مدت ۱۲ سال در مدرسه قادر باشد:

۱. از «هویت دینی» مناسبی برخوردار باشد. به عبارت دیگر، نسبت خود را با خالق جهان، جهان هستی، دنیا و آخرت و نسبت این دو را و اینکه خالق هستی از مخلوق خود چه انتظاری دارد، بداند.
۲. از «هویت فرهنگی» قابل قبولی برخوردار باشد. به عبارت دیگر، رابطه‌اش را با فرهنگ خودی، میراث فرهنگی اسلام و ایران بداند و در قبال فرهنگ‌های بیگانه و برخی فرهنگ‌های مهاجم از وظیفه خود آگاه باشد.
۳. از «هویت ملی» مطلوبی برخوردار باشد. به عبارت دیگر، مفاخر و آثار ملی خود را بشناسد و از نقاط عطف تاریخی و ملی خویش شناخت نسبی داشته باشد.
۴. از «هویت تمدنی» خویش مطلع باشد. به عبارت دیگر،